

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ وجود مهدی و ویژگی‌های او
۲. اخلاق؛ مکارم اخلاق؛ نیکی با پدر و مادر و خویشاوندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: عبدالمالک

تاریخ: ۱۳۹۹/۶/۹

در رابطه با عدالت سؤالی داشتم. شکی نیست که امام مهدی علیه السلام بعد از ظهور می‌تواند عدالت را در جامعه گسترش دهد، اما در خانه‌ها چطور؟ پدران و مادرانی هستند که عدالت را در قبال فرزندانشان رعایت نمی‌کنند. آیا امام مهدی علیه السلام می‌تواند در کار آن‌ها دخالت کند؟ چرا باید همیشه به پدرها و مادرهایی که به فرزندان خود ظلم می‌کنند و در برخی موارد از لحاظ عقل و فهم از فرزندان خود کمترند و موجب عذاب آنان می‌شوند، نیکی کرد؟ آیا این عدالت است که در خانواده‌ای به دنیا بیایی که احساس می‌کنی جایز بین آن‌ها نیست؟ به نظر من فرزند آوردن پدر و مادر، از سر خودخواهی خودشان برای رنگ و بو دادن به زندگی خودشان است، نه لطف و محبت در حق فرزندی که در این دنیای بدون اسلام، مجبور به جنگ برای بقاست.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۹/۶/۱۴

لطفاً به نکات زیر توجه کنید:

۱. خانواده هم بخشی از جامعه است، بلکه رکنی از ارکان آن محسوب می‌شود و با این وصف، شکی نیست که عدالت امام مهدی علیه السلام آن را هم در بر خواهد گرفت؛ چنانکه جناب منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی فرموده است: «احکام خداوند را در میان‌شان جاری خواهد ساخت و عدالت مطلق را در پستوی خانه‌ها و آغل گوسفندان‌شان داخل خواهد نمود»^۱. در واقع اصلاح خانواده، به اصلاح جامعه و اصلاح جامعه، به اصلاح خانواده می‌انجامد؛ چراکه میان آن دو، ارتباطی تنگاتنگ و تأثیری متقابل وجود دارد و نسبتشان با یکدیگر، نسبت میان جزء و کل است. تبعاً امام مهدی علیه السلام بسته به صلاحیت خود، سیاست اصلاح از جزء به کل یا از کل به جزء را در پیش خواهد گرفت، یا هر دو را با هم تلفیق خواهد کرد.

۱. گفتار ۱۱۳

۲. تولّد هر فرد در هر خانواده، مقتضای قضا و قدر خداوند و تابع قوانین طبیعی و تغییرناپذیر است و در هیچ صورتی ناعادلانه محسوب نمی‌شود؛ چراکه همه‌ی افراد از فطرت مناسب و عقل لازم برای رسیدن به کمال خود برخوردارند و تکلیف‌شان به اندازه‌ی توانایی و امکانات‌شان است و تفاوت‌های نژادی، اقتصادی و فرهنگی میان خانواده‌هاشان، آزمونی از جانب خداوند است.

۳. قضاوت شما درباره‌ی پدر و مادر عادلانه نیست. شاید اگر می‌دانستید که آن دو برای بزرگ کردن فرزند چه رنجی می‌برند و چه مشقّتی را تحمّل می‌کنند، چنین قضاوت نمی‌کردید. وجود، بزرگ‌ترین نعمت خداوند به انسان است و این نعمتی است که او به واسطه‌ی پدر و مادر به انسان داده است. انسان مؤمن و پرهیزکار، به هر کمال و سعادت در دنیا و آخرت برسد، آن را مدیون پدر و مادر خود است که او را به وجود آورده‌اند و بزرگ کرده‌اند؛ چراکه اگر او را به وجود نمی‌آوردند و بزرگ نمی‌کردند، به چنین کمال و سعادت نمی‌رسید. از این رو، انسان مؤمن و پرهیزکار همیشه قدردان و سپاسگزار پدر و مادر خود است، حتّی اگر او را در امور دنیا بیازارند، در حالی که انسان کافر یا فاسق چه بسا از پدر و مادر خود خشمگین و متنقّر است؛ چراکه به شقاوت دنیا و آخرت دچار شده است و آن را ناشی از ظلم پدر و مادرش می‌داند که او را به وجود آورده‌اند و بزرگ کرده‌اند، در حالی که ناشی از ظلم پدر و مادرش نبوده، بل ناشی از ظلم خودش بوده که قدر نعمت وجود را ندانسته و به دستورات عقل و شرع عمل نکرده است.

آری، اگر پدر و مادر کسی کافر باشند و او را به سوی کفر فرا خوانند و دعوت او به سوی ایمان را نپذیرند، خشمگین بودن و حتّی متنقّر بودن از آن دو معقول و مشروع است؛ چراکه آن دو هر چند او را به وجود آورده‌اند و بزرگ کرده‌اند، با خالق و رازق او دشمنند، در حالی که حقّ خالق و رازق او از حقّ آن دو بزرگ‌تر است و نمی‌توان خداوند و دشمنش را با هم دوست داشت. از این رو، خداوند فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۶۱﴾ قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿۶۲﴾؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! پدران خود و برادران خود را دوست نگیرید اگر کفر را بر ایمان ترجیح داده‌اند و هر کس آنان را دوست بگیرد از ظالمان است. بگو اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خویشاوندانتان و اموالی که گرد آورده‌اید و کسب‌وکاری که از کسادش می‌ترسید و خانه‌هایی که خوش می‌دارید را از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش دوست‌تر می‌دارید، پس منتظر باشید تا خداوند عذابش را بیاورد و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند» و فرموده است: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ

أَوْ عَشِيرَتَهُمْ؛^۱ «هیچ گروهی که به خداوند و روز واپسین ایمان دارند را نمی‌یابی که دشمنان خداوند و پیامبرش را دوست بدارند اگر چه پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند» و فرموده است: «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوَدَّةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ»^۲؛ «و آمرزش خواستن ابراهیم برای پدرش جز به خاطر وعده‌ای که به او داده بود نبود، پس وقتی برایش آشکار شد که او دشمن خداوند است از او بی‌زاری جست، هرآینه ابراهیم مهربانی بردبار بود». از اینجا دانسته می‌شود که ظلم پدر و مادر به فرزند، تنها در حوزه‌ی دین حائز اهمیت است و آن هنگامی مصداق دارد که فرزند را به سوی کفر یا گناه بکشانند و از ایمان یا تقوا باز دارند؛ چنانکه به عنوان نمونه، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ إِلَّا يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ، فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجِّسَانِهِ»^۳؛ «هیچ فرزندی نیست مگر اینکه بر فطرت (اسلام) متولد می‌شود، پس پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می‌کنند» و در گفتاری از جناب منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آمده است: «عَلَى الْوَالِدَيْنِ أَنْ يَأْخُذَا وَلَدَهُمَا إِلَيْهِمَا قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الْحُلُمَ فَإِنَّ الْوَلَدَ إِذَا جَنَى أَوْ أَذْنَبَ قَبْلَ بُلُوغِهِ كَانَ إِثْمُهُ عَلَى وَالِدَيْهِ، فَلْيَأْخُذَاهُ إِلَيْهِمَا وَلْيُنَبِّئَاهُ نَبَأًا حَسَنًا»^۴؛ «بر پدر و مادر است که فرزندشان را پیش از بلوغ در کنار خود (یعنی تحت نظر) بگیرند؛ چراکه اگر فرزند پیش از بلوغ مرتکب جنایت یا معصیتی شود، گناهش بر گردن پدر و مادر اوست، پس باید او را در کنار خود (یعنی تحت نظر) بگیرند و باید نیکو تربیتش کنند».

آری، کشاندن فرزند به سوی کفر یا گناه و بازداشتن او از ایمان یا تقوا، ظلم بسیار بزرگی است و کیفر دردناکی برای پدر و مادر در آخرت دارد، ولی این به معنای جواز درستی یا بد رفتاری با آن دو در دنیا نیست، بلکه به معنای جواز عمل نکردن به خواسته‌ی نادرست آن دو و در صورت لزوم قطع ارتباط با آن دو است؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَأِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا»^۵؛ «و اگر آن دو بر تو فشار آوردند که برای من چیزی را شریک قرار دهی که به آن علمی نداری، پس از آن دو اطاعت نکن و با آن دو در دنیا به شایستگی مصاحبت کن» و فرموده است: «قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنِ الْهَيْبَةِ يَا إِبْرَاهِيمَ لَئِنْ لَمْ تَنْتَه لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ﴿١٠٤﴾ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿١٠٥﴾ وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا»^۶؛ «(پدرش) گفت: آیا تو از خدایان من رویگردان شده‌ای ای ابراهیم؟! اگر دست برنداری سنگسارت می‌کنم و مدتی طولانی از من دور شو! گفت: سلام بر تو،

۱. المجادلة/ ۲۲

۲. التوبة/ ۱۱۴

۳. موطأ مالك، ج ۲، ص ۳۳۸؛ مسند أبي داود الطيالسي، ج ۴، ص ۱۱۵؛ مسند الحميدي، ج ۲، ص ۲۶۷؛ مسند أحمد، ج ۱۲، ص ۱۰۴؛ صحيح البخاري، ج ۲، ص ۱۰۰؛ صحيح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۴۷؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۲۲۹؛ سنن الترمذي، ج ۴، ص ۴۴۷؛ مسند أبي يعلى، ج ۱۱، ص ۲۸۲؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۶، ص ۳۳۵

۴. گفتار ۱۰۰

۵. لقمان/ ۱۵

۶. مریم/ ۴۶-۴۸

من برای تو از پروردگرم آمرزش خواهم خواست؛ چراکه او نسبت به من مهربان است و از شما و چیزی که جز خداوند می خوانید کناره می گیرم و پروردگرم را می خوانم، امید است که با خواندن پروردگرم بدبخت نباشم». این تکلیف مؤمن در صورتی است که پدر و مادرش دشمن خداوند باشند، ولی در غیر این صورت، تکلیف او چیزی جز احسان به آن دو و چشم پوشیدن از درستی و بدرفتاری آن دو نیست؛ چنانکه جناب منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی فرموده است: «با پدر و مادرت نیکی کن، اگر چه با تو بدی کنند؛ چراکه به اندازه‌ی کافی با تو نیکی کرده‌اند». البته احسان به آن دو، شامل دعوت آن دو به سوی خیر و امر آن دو به معروف و نهی آن دو از منکر نیز می‌شود؛ چراکه خداوند فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾**؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! خودتان و خانواده‌ی‌تان را از آتش باز دارید» و فرموده است: **﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾**؛ «و خانواده‌ات را به نماز امر کن و بر آن شکیبا باش» و فرموده است: **﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾**؛ «و خویشاوندان نزدیک‌ترت را بیم بده»؛ چنانکه به عنوان نمونه، روایت شده است: **«جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنَّ أُمَّي لَا تَدْفَعُ يَدَ لَأَمْسٍ، قَالَ: فَأَحْبَسَهَا، قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ، قَالَ: فَاَمْنَعُ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْهَا، قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ، قَالَ: فَقَيَّدَهَا، فَإِنَّكَ لَا تَبْرُهَا بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَنْ تَمْنَعَهَا مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»**؛ «مردی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: مادرم دست هیچ لمس کننده‌ای را پس نمی‌زند (یعنی روابط نامشروع دارد)، فرمود: او را (در خانه) حبس کن، گفت: این کار را کرده‌ام، فرمود: پس نگذار مردی به نزد او بیاید، گفت: این کار را کرده‌ام، فرمود: پس او را ببند؛ زیرا بهترین نیکی تو با او این است که او را از محرّمات خداوند باز داری».



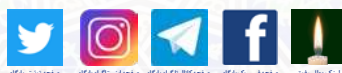
بایکة اطلاعیه منسوخه منصوصه‌ها شیعی خراسانی
 مجلس شورای اسلامی خراسان



۱. نامه‌ی ۱۶
۲. التّحریم / ۶
۳. طه / ۱۳۲
۴. الشعراء / ۲۱۴
۵. من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۴، ص ۷۲

www.alkhorasani.com

بایکة اطلاعیه منسوخه منصوصه‌ها شیعی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.